

Consequences of China's Defense Policy in West Asia on the National Security of the Islamic Republic of Iran

Nader Javani¹

Fathollah Kalantari²

Esmaeil Moeini Fard³

Type of article: A research paper extracted from the dissertation

Received: 05/06/2025

Accepted: 09/08/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.3 (serial 37) /Autumn 2025*105-140



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282225.1737

Abstract

Background and aim: This article examined China's defense policy in West Asia and its implications for the national security of the Islamic Republic of Iran. The primary objective of the study is to elucidate China's defense policy in the region and identify its positive and negative consequences for Iran's national security.

Method: The research adopts a descriptive-analytical approach, with data collected through a questionnaire from a sample of 45 experts in military, political, and economic fields.

Results: The findings indicate that China's defense policy in West Asia has 30 positive and 18 negative consequences that are analytically significant, with most being statistically meaningful. Among the positive consequences are enhanced security cooperation, increased balance of power in Iran's favor, reduced impact of U.S. sanctions, and Iran's benefits from regional organizations such as the Shanghai Cooperation Organization. Negative consequences include increased economic dependency, geopolitical competition, and China's interventions in regional issues.

Conclusion: The main conclusion is that China's presence in West Asia is generally security-enhancing for Iran, but it requires careful management to mitigate potential risks.

Keywords: Defense policy, national security, peaceful, revisionist, sovereignty.

1- Lecturer of Defense Management Group, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran, (author responsible), naderking1352@gmail.com

2- Associate Professor, Defense Management Group, National Defense University, Tehran, Iran
ffkalantari@chmail.ir

3- PhD Candidate in Defense Management, National Defense University, Tehran, Iran,
smaeil732@gmail.com

پیامدهای سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نادر جوانی^۱

فتح ا... کلانتری^۲

اسماعیل معینی فرد^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

فصلنامه مطالعات راهبردی ناچا/ سال دهم/ شماره ۳ (پیاپی ۳۷) - پاییز ۱۴۰۴* ۱۴۰-۱۰۵



DOI: 10.22034/ssj.2025.1282225.1737

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله به بررسی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، تبیین سیاست دفاعی چین در منطقه و شناسایی پیامدهای مثبت و منفی آن بر امنیت ملی ایران است.

روش تحقیق: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و داده‌های آن از طریق پرسشنامه و با استفاده از نمونه‌ای ۴۵ نفره از خبرگان حوزه نظامی، سیاسی و اقتصادی جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست دفاعی چین در غرب آسیا دارای ۳۰ پیامد مثبت و ۱۸ پیامد منفی قابل تحلیل است که بیشتر آن‌ها از نظر آماری معنادار هستند. از میان پیامدهای مثبت می‌توان به ارتقای همکاری‌های امنیتی، افزایش موازنه قدرت به نفع ایران، کاهش تأثیر تحریم‌های آمریکا و منتفع شدن ایران از سازمان‌های منطقه‌ای مانند پیمان شانگهای اشاره کرد؛ در حالی که پیامدهای منفی شامل افزایش وابستگی اقتصادی، رقابت ژئوپلیتیکی و مداخله‌های چین در مسائل منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری اصلی این است که وجود چین در غرب آسیا به‌طور کلی برای ایران امنیت‌زا است، اما نیازمند مدیریت دقیق برای کاهش ریسک‌های بالقوه است.

واژگان کلیدی: سیاست دفاعی، امنیت ملی، صلح‌آمیز، تجدید نظر طلب، حاکمیت.

۱- مربی گروه مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
naderking1352@gmail.com

۲- دانشیار گروه مدیریت دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران،
ffkalantari@chmail.ir

۳- دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران،
smaeil732@gmail.com

مقدمه

سیاست دفاعی چین در غرب آسیا عمدتاً بر تعامل اقتصادی و سیاسی و با تأکید فزاینده بر امنیت متمرکز است. اهداف سیاست دفاعی چین عمدتاً مبتنی بر حضور اقتصادی، به چالش کشیدن سلطه آمریکا و ایجاد نظم جدید در این حوزه است. در واقع، رویکرد چین به منطقه با بی‌طرفی ضد غربی مشخص می‌شود که به دنبال این هدف است که چین به عنوان یک قدرت بزرگ صلح جو و بی‌طرف در برابر آمریکا قرار دهد. در عین حالی که ارتش چین قوی‌تر و توانمندتر می‌شود، توانائی این کشور برای نشان دادن قدرت نظامی و قدرت دیپلماتیک در غرب آسیا محدود و ریسک‌گریز است. چارچوب همکاری چین در منطقه مبتنی بر انرژی، ایجاد زیرساخت‌ها، تجارت و سرمایه‌گذاری متمرکز برای توسعه امنیت در غرب آسیا است (تانجا کبیر^۱، ۲۰۲۳). حضور رو به گسترش چین در منطقه باعث اراده‌های قوی‌تر برای مشارکت در امور دفاعی، به صورت خاص از طریق طرح ابتکار طرح امنیت جهانی آقای شی جین پینگ و معماری جدید امنیتی برای این حوزه شده است. اهداف سیاست خارجی چین در غرب آسیا، به‌ویژه طرح ابتکار امنیت جهانی آقای شی جین پینگ، چند وجهی می‌باشد که در قالب شش تعهد مطرح شده است و در واقع، توسعه، مفهوم اصلی امنیت جدید آسیائی چین در نظر گرفته شده است و بر حفاظت از منافع چین در خارج از کشور، عدم مداخله و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، تأکید دارد و به دنبال توقف درگیری‌ها و ارائه تصویر یک قدرت بزرگ مسئولیت‌پذیر از چین است (اسکوبل اندرو^۲، ۲۰۲۳). چین به دنبال ایجاد امنیت منطقه‌ای چندجانبه و صلح‌آمیز است اما یکی از چالش‌های چین در منطقه، حضور نظامی آمریکا و گروه‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا است. به همین دلیل دغدغه اصلی محقق تقابل چین و آمریکا در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین مسئله اصلی تحقیق عبارتست از امنیت‌سازی برای جمهوری اسلامی

1-Taneja Kabir

2- Scobell Andrew

ایران در قبال حضور اقتصادی و نظامی چین در منطقه برای تقابل با سیاست‌های خصمانه و ظالمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که سیاست دفاعی چین در منطقه غرب آسیا چیست و چه پیامدهایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

سوالات فرعی عبارتند از: الف- سیاست دفاعی چین در غرب آسیا چگونه است؟ ب- پیامدهای مثبت سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ پ- پیامدهای منفی سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ این تحقیق سوال محور است و نتایج تحقیق از طریق پاسخگویی به سوالات محقق می‌شود، به همین دلیل فرضیه ندارد، چون محقق به دنبال تعیین روابط بین متغیرها و رد یا تأیید فرضیه نیست. اهداف تحقیق متناظر با سوالات است. عواملی که باعث اهمیت و ضرورت تحقیق شده عبارتند از: الف- ایجاد سیستم امنیت منطقه‌ای و خوداتکاء در غرب آسیا با مشارکت چین و شناخت راهبردها و رویکردهای چین در روند امنیت منطقه‌ای چندجانبه. ب- شناخت جایگاه و نقش چین در روند همکاری‌های دفاعی، می‌تواند ما را در تدوین یک سیاست‌گذاری موفق در عرصه سیاست خارجی و تحولات پیش‌رو، کمک کند. پ- با عنایت به ویژگی مهم انقلاب اسلامی که خواهان تغییر سازو کارهای غیرعادلانه فعلی در جهان است، شناخت و درک عمیق‌تر پدیده امنیت منطقه‌ای و لزوم خروج نیر وهای بیگانه از منطقه، جایگاه چین در این روند نیز از الزامات مهم است. ت- کم‌توجهی به حضور چین در منطقه باعث افزایش هژمونی آمریکا و به‌خصوص حضور نظامی آمریکا در منطقه است، بنابراین حضور چین برای رویارویی با آمریکا امری ضروری و حیاتی است.

پیشینه

کلانتری (۱۴۰۳) در مقاله «گونه‌شناسی تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی فراروی ایران»، به تحلیل انواع تهدیدهای نظامی، سیاسی و امنیتی که بر امنیت ملی ایران وارد می‌شود، پرداخته است. این مطالعه ضمن دسته‌بندی تهدیدهای، به نقش قدرت‌های بزرگ و تحولات ژئوپلیتیک در شکل‌گیری الگوهای تهدیدی

می‌پردازد و اهمیت موازنه قدرت در منطقه را برجسته می‌کند. همچنین، به طور غیرمستقیم به امکان استفاده ایران از حضور قدرت‌های نوظهور مانند چین در کاهش وابستگی به غرب و مدیریت تهدیدهای اشاره دارد. این رویکرد می‌تواند زمینه را برای تحلیل پیامدهای سیاست دفاعی چین در غرب آسیا فراهم کند. مقاله همچنین به اهمیت همکاری‌های دفاعی بین کشورهای غیرغربی و کاهش فشارهای خارجی می‌پردازد که با موضوع تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد. در این راستا، حضور چین در غرب آسیا می‌تواند دارای دو وجه تهدید و فرصت برای ایران باشد. بنابراین، این مقاله زمینه نظری لازم برای تحلیل تأثیرهای سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی ایران را فراهم می‌کند. این دیدگاه، با تمرکز بر مقوله ظهور صلح‌آمیز چین، می‌تواند درک عمیق‌تری از پیامدهای این سیاست برای ایران ارائه دهد.

احمدی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن»، به تحلیل مفاهیم و الگوهای نفوذ کشورها در سطح منطقه‌ای پرداخته‌اند. این مطالعه بر نقش قدرت‌های بزرگ در تعیین موازنه قدرت منطقه‌ای و تأثیر آن بر کشورهای همسایه تمرکز دارد. چین را می‌توان به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای/بین‌المللی نوظهور در غرب آسیا دید که با توسعه نفوذ اقتصادی و نظامی خود، می‌تواند تعادل قدرت منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. حضور چین در غرب آسیا می‌تواند فرصت‌هایی مانند کاهش وابستگی ایران به غرب و افزایش همکاری‌های دفاعی را فراهم کند. این موضوع با موضوع تحقیق حاضر در خصوص پیامدهای سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی ایران هم‌خوانی دارد. اما مقاله «قدرت منطقه‌ای» هشدار می‌دهد که گسترش نفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه می‌تواند دارای پیامدهای منفی از جمله افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی و وابستگی‌های راهبردی باشد. بنابراین، مدیریت هوشمندانه روابط ایران با چین ضروری است. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تر از پیامدهای دوگانه سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی ایران باشد.

صفوی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «چشم انداز حضور راهبردی چین در غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، به این نتیجه رسیدند که سناریوی خیزش اژدها، امنیت ملی ایران را از طریق نقش ترانزیتی، سرمایه‌گذاری و همکاری نظامی با چین افزایش خواهد داد. سناریوی رویای اژدها نیز سیاست متوازن چین با کشورهای منطقه را نشان می‌دهد که می‌تواند به امنیت ایران کمک کند. با این حال، محتمل‌ترین سناریو عدم سرمایه‌گذاری چشم‌گیر چین در ایران و محدود بودن نقش ایران به یک مسیر کریدوری است. در صورت تحقق سناریوی اژدهای در بند، امنیت ملی ایران تحت تأثیر منفی جدی قرار خواهد گرفت و تعاملات با چین به صادرات انرژی و واردات کالاهای ضروری محدود خواهد شد.

رادان (۱۴۰۰) در مقاله «الگوی شناخت و تحلیل محیط امنیتی»، به بررسی عوامل مؤثر در تبیین محیط امنیتی کشورها پرداخته و مفاهیمی چون تعادل قدرت، تهدیدهای نظامی و نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری الگوهای امنیتی را مطرح کرده است. این مطالعه اهمیت حضور قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تعیین ثبات و امنیت ملی کشورها را برجسته می‌کند. باتوجه به این رویکرد، می‌توان سیاست دفاعی چین در غرب آسیا را نیز در چارچوب تأثیرگذاری بر موازنه قدرت و مدیریت تهدیدهای منطقه‌ای تحلیل کرد. حضور چین با هدف توسعه همکاری‌های اقتصادی و نظامی بدون درگیری مستقیم، می‌تواند به‌عنوان یک عامل موازنه‌گر در مقابل نفوذ غربی، امنیت ملی ایران را تحت تأثیر مثبت قرار دهد. این مقاله ضمن تأکید بر ضرورت تحلیل محیط امنیتی، زمینه نظری لازم برای درک پیامدهای سیاست دفاعی چین بر امنیت ملی ایران را فراهم می‌کند.

امینی و غلامی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیاستی بر دیپلماسی دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران با جمهوری خلق چین»، به این نتیجه رسیدند که رویکرد دیپلماسی دفاعی فعال در نیروهای مسلح ج.ا.ایران و چین از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه همکاری و روابط دفاعی و امنیتی در سطح راهبردی باتوجه به ویژگی‌های ژئوپلتیکی و ژئو راهبردی و مانند آن‌ها در

غرب و شرق آسیا برخوردارند. پیشران‌های چهارگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارای بیشترین نقش در دیپلماسی امنیتی- دفاعی با اولویت: اعزام وابسته نظامی، مبارزه با هژمونی آمریکا و نظام تک قطبی، حضور در ترتیبات منطقه‌ای مانند پیمان شانگهای، امنیت اقتصادی، احیای جاده ابریشم، مبارزه با مواد مخدر و قاچاق انسان، دارای بیشترین اثر در روابط متقابل هستند.

افراپلی و حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «چین و حد اکثر سازی موقعیت، با تاکید بر مولفه‌های امنیتی- نظامی»، به این نتیجه رسیده‌اند که چین نیز به‌عنوان بازیگری پرتوان از دهه‌های اخیر، مجموعه منابع قدرتی را در راستای ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل، بسیج کرده است. تمرکز اصلی چین بر نوآوری در حوزه نظامی‌گری، تا اهداف امنیت محور در سطح منطقه‌ای و رقابت با آمریکا را شامل می‌شود. استفاده از قابلیت‌های امنیتی- نظامی یعنی تحول در ساختار ارتش آزادی‌بخش خلق، ارتقای نظام تسلیحاتی و فناوری نظامی، جهت‌گیری امنیتی در سازمان شانگهای و تقابل امنیتی با آمریکا اثر تعیین کننده‌ای بر سیاست حداکثرسازی موقعیت چین داشته است.

اسکوبل اندرو^۱ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای لاتین با عنوان «چین در خاورمیانه به دنبال چه چیزی است»، به این نتیجه رسیده‌اند که اهداف سیاست خارجی چین در غرب آسیا، چند وجهی است که در قالب شش تعهد مطرح شده است و در واقع، توسعه، مفهوم اصلی امنیت جدید آسیائی چین در نظر گرفته شده است و بر حفاظت از منافع چین در خارج از کشور، عدم مداخله و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، تاکید دارد و به دنبال توقف درگیری‌ها و ارائه تصویر یک قدرت بزرگ مسئولیت پذیر از چین می‌باشد.

وجوه اشتراک پیشینه‌های یاد شده با این مقاله پرداختن به محتوای مشترک یعنی قدرت نظامی صلح‌آمیز چین به‌عنوان دال مرکزی سیاست دفاعی چین و همچنین تبادلات نظامی بین چین و ایران است. وجوه اختلاف این است که در پیشینه‌های یاد شده به‌صورت عمده به سیاست خارجی پرداخته‌اند

و یا سیاست دفاعی را زیر مجموعه سیاست خارجی تعریف کرده‌اند. این تحقیق نوآوری قابل توجهی در بررسی ابعاد امنیت‌ساز سیاست دفاعی چین در غرب آسیا و آثار آن بر امنیت ملی ایران ارائه می‌دهد. با بهره‌گیری از روش ترکیبی کمی-کیفی، پژوهش حاضر به تحلیل دقیق ۳۰ پیامد مثبت و ۱۸ پیامد منفی سیاست دفاعی چین می‌پردازد که این رویکرد تاکنون در ادبیات موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، این مطالعه با ارائه الگویی نوین در تحلیل موازنه قدرت منطقه‌ای، نقش چین را به‌عنوان عاملی تعادل‌بخش در مقابل تسلط یک‌جانبه آمریکا معرفی می‌کند. نوآوری دیگر این تحقیق، تبیین جایگاه ایران در استراتژی «یک کمر بند، یک راه» چین و تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران است که با رویکردی تطبیقی و تحلیلی انجام شده است.

مبانی نظری

سیاست دفاعی^۱: عبارتست از طرح‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی که که تئوری (سیاست امنیت ملی) را به اقدام (برنامه‌ریزی دفاعی، مدیریت و اجرا) تبدیل می‌کند که متضمن برنامه‌ریزی دفاعی و مدیریت است که به‌صورت قدم‌های متوالی در جهت اجرای عملی آن سیاست و به دنبال فرمان واقعی و کنترل هستند. سیاست دفاعی، شامل تمامی حوزه‌ها از ابزار، روش‌ها برای کسب مفهوم دفاع ملی است. سیاست دفاعی، قدمی مهم در راستای دستیابی به سیاست‌های امنیت ملی با هدف ایجاد مضامین همگرایی و قواعد حکمرانی خوب است (تگارو تئودور^۲، ۲۰۰۶).

سیاست دفاعی شامل تدابیر یک کشور برای توسعه قابلیت‌های دفاعی، همکاری‌های امنیتی بین‌المللی و مقابله با چالش‌هایی مانند جنگ هیبریدی و رقابت‌های فناورانه است. این سیاست‌ها امروزه بر ادغام هوش مصنوعی، فضای سایبر و سرمایه‌گذاری در نوآوری‌های دفاعی تأکید دارند (بندت و کافمن^۳،

(۲۰۲۲)

1- Defense policy

2- Tagarev Todor

3- Bendett & Kofman

امنیت ملی: امنیت ملی عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی. وجود شرایطی که حیاط مادی و معنوی جامعه و یا به عبارتی منافع و ارزش های ملی را در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل خطرهای و تهدیدهای داخلی، خارجی، حوادث طبیعی و آفات اجتماعی حفاظت می کند. در این مقاله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چند وجهی است و ترکیبی از راهبردهای دفاعی، تلاش های نوسازی نظامی، دیپلماسی منطقه ای و هماهنگی از طریق نهادهای کلیدی مانند شورای عالی امنیت ملی را دربر می گیرد. این سیاست براساس تجربه های تاریخی، پویایی منطقه و تلاش برای حفظ نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا، شکل گرفته است (مرادیان، ۱۴۰۲).

امنیت ملی به مجموعه ای از راهبردها و اقدامات چندبعدی (نظامی، اقتصادی، دیجیتالی، و زیست محیطی) گفته می شود که دولت ها برای حفظ حاکمیت، ثبات داخلی و مقاومت در برابر تهدیدهای نوین مانند حملات سایبری، تروریسم و تغییرات اقلیمی به کار می گیرند (کاولتی و ونگر^۱، ۲۰۲۰).

ظهور صلح آمیز^۲: ظهور صلح آمیز به استراتژی قدرت های در حال ظهور (مانند چین و هند) برای افزایش نفوذ جهانی از طریق ابزارهای غیرنظامی مانند دیپلماسی اقتصادی، ابتکارات چندجانبه، و سرمایه گذاری در زیرساخت های بین المللی اشاره دارد. این روند با چالش هایی مانند تنش های ژئوپلیتیک و رقابت فناورانه همراه است (لی و کنگ^۳، ۲۰۲۳).

سیاست دفاعی چین: سیاست دفاعی چین با تأکید بر ماموریت ها و وظایف راهبردی نیروهای مسلح، جزئیات نقش ارتش آزادی بخش خلق از جمله دفاع از تمامیت ارضی، حفاظت از حقوق دریایی، و تضمین امنیت ملی را تبیین می کند. در حوزه راهبردی پدافند فعال، اصل دفاع فعال را تشریح می کند، که بر آمادگی برای مبارزه نظامی با حفظ وضعیت دفاعی تأکید می کند. ساخت و توسعه نیروهای مسلح چین که در مورد تلاش برای نوسازی و نیز نیاز به یک

1- Cavelti & Wenger

2- Peaceful Rise

3- Lai & Kang

ارتش پیشرفته از نظر فناوری را مورد تاکید قرار می‌دهد که قادر به پاسخگویی به تهدیدهای معاصر باشد. سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور چین در غرب آسیا عبارتند از:

الف- ادغام راهبردهای توسعه: یعنی چین با هدف ایجاد منطقه‌ای با ثبات‌تر و مرفه‌تر، به دنبال ادغام بیشتر راهبرد توسعه هر کشور با راهبر مدنظر خود است.

ب- جایگزین‌های امنیتی محدود: که لزوماً جایگزین ایالات متحده نیست بلکه مکمل نقش آن در منطقه است.

پ- ابتکار امنیت جهانی و معماری امنیتی جدید برای آسیای غربی: که با هدف ایجاد سازوکار امنیتی جدید برای آسیای غربی، به چالش کشیدن سیستم ایالات متحده با هدف در محاصره قراردادن چین.

ت- ایجاد حکمرانی در حوزه اجتماعی: چین در مدیریت پناهندگان در غرب آسیا و آفریقا مشارکت کرده و کمک‌های بشردوستانه نیز ارائه و به ثبات اجتماعی در منطقه کمک می‌کند.

چین هیچ پایگاه نظامی خارجی دائمی را در جهان نداشته است تا سال ۲۰۱۷ که یک پایگاه لجستیکی در جیبوتی افتتاح کرد. این حرکت نیز بیشتر برای حمایت از عملیات‌های ضد دزدی دریایی و نه دفاع از منافع ژئوراهبردی بود. چین در هیچ یک از جنگ‌های نیابتی غرب در سوریه، یمن یا عراق مشارکت نظامی مستقیمی نداشته است. در مقابل، نقش خود را به عنوان میانجی و حامی اقتصادی حفظ کرده است.

در شکل‌گیری سیاست دفاعی و امنیتی کشور چین در غرب آسیا، قابلیت‌هایی مانند فناوری سیستم‌های پیشرفته، قابلیت‌های سایبری، نقش اساسی دارند (وان ژنگ^۱، ۲۰۱۵).

دکترین ظهور مسالمت‌آمیز شی جینپینگ^۲: سیاست دفاعی چین از سال ۱۹۴۹ به‌طور مشترک تحت تأثیر تعدادی از عوامل در سطح بین‌المللی، دولتی

1-Wang Zheng

2- Xi Jinping

و فردی بوده است. سطوحی که هر کدام به شیوه خود سياست دفاعی چين را شکل می‌دهند. برخی از آنها عوامل شکل دهنده هستند که شامل شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، محیط زیست، قدرت کشور (فیزیکی، اقتصادی و نظامی)، سنت‌های فلسفی، تجربه طولانی تاریخی چين و ایدئولوژی کمونیستی دولت، هستند. بقیه عوامل تعیین کننده‌ای هستند که شامل عمده‌ترین منافع می‌باشند که توسط دولت کمونیستی چين مشخص شده است و نیز ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های خاص رهبری رهبران حزب کمونیست را نیز شامل می‌شود.

در حالی که عوامل شکل دهنده، شرایط فیزیکی، مبانی قدرت و پارامترهای فلسفی، تاریخی و ایدئولوژیکی سياست دفاعی چين را فراهم می‌کند، عوامل تعیین کننده مستقیماً جهت و اهداف خاص سياست دفاعی کشور چين و مسیرهایی که در آن اهداف سياست دفاعی کشور تعقیب و به‌دست می‌آید، را تعیین می‌کند (کای کویین^۱، ۲۰۲۲). سياست دفاعی چين از سال ۱۹۴۹ تاکنون در سه مرحله دچار تحول شده است. مرحله اول دوران مائو (۱۹۴۹-۱۹۷۹) مرحله دوم نفوذ دنگ^۲ (۲۰۰۹-۱۹۷۹) و مرحله سوم که عمدتاً تحت رهبری شی جین پینگ^۳ (۲۰۰۹-تاکنون) شکل گرفته است. علی‌رغم تحول سياست دفاعی چين، اهداف سياست دفاعی اصلی پکن بدون تغییر باقی می‌مانند، اگرچه تغییرات اهمیت عناصر هر یک از این اهداف در طی زمان اصلاح شده‌اند. منافع ملی و اصلی چين، این اهداف برای ارتقاء منافع ملی چين طراحی شده است که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و براساس اولویت‌بندی رهبران حزب کمونیست چين و منافع ملی کشور چين، اولویت‌بندی می‌شوند. به‌طور کلی، رهبری حزب کمونیست چين هفت هدف اصلی سياست دفاعی کشور چين را از سال ۱۹۴۹ دنبال کرده است:

- ۱- تامین امنيت سیستم سیاسی موجود حزب کمونیست چين (سی سی پی)
- ۲- حفظ حاکمیت دولت،
- ۳- صیانت از امنيت

3- Cai Kevin

4- Deng

5- Xi Jinping

ملی کشور، ۴- حفظ تمامیت ارضی کشور، ۵- دستیابی به اتحاد ملی با تایوان و حفظ هنگ کنگ، سین کیانگ و تبت به‌عنوان بخش‌های یکپارچه ای از چین، ۶- تضمین توسعه اقتصادی پایدار کشور و نوسازی، ۷- ارتقای موقعیت بین‌المللی کشور و بازیابی مجدد وضعیت قدرت بزرگ چین (ژانگ ویوی^۱، ۲۰۱۷). «کاملیا سورنسن»^۲ به اصل سیاست خارجی هم‌هیاهو و پنهان کردن توانمندی‌ها در چین اشاره می‌کند که از زمان دنگ شیائو پنگ بر سیاست خارجی این کشور حاکم بوده است. وی معتقد است که چین به‌تدریج در حال گذار از اصل مذکور و جایگزین کردن اصلی دیگر با‌عنوان تلاش برای کسب دستاورد است که از نظر وی این تغییر، نوعی فاصله گرفتن از سیاست خارجی کم‌هیاهو و تلاش برای کسب دستاورد بیشتر می‌باشد اما با وجود این، وی سیاست خارجی چین را کماکان متعهد به راهبرد توسعه مسالمت‌آمیز می‌داند.

چین و اعلام شش اصل امنیت جهانی: ابتکار تمدن جهانی به‌منزله ادامه تعدادی از ابتکارها است که در چارچوب ایده ایجاد جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت یک نظریه جهان شمول برای ایجاد نظم جهانی که در آن صلح پایدار و امنیت همگانی وجود دارد. مفهوم جامعه‌ای با سرنوشت مشترک برای بشریت شامل پنج رکن اصلی سیاست، امنیت، اقتصاد، فرهنگ و محیط زیست است. اصول امنیت جهانی چین عبارتند از:

اصل یکم: باید به چشم انداز امنیت مشترک، فراگیر، قابل قبول به‌طور مشترک و پایدار پایبند بود. جوهر این اصل آن است که از مفهوم امنیت مشترک، ضمن احترام و حفاظت از امنیت هر کشور، بتوان ارتقای همکاری، تضمین امنیت از طریق گفتگوهای سیاسی و مذاکرات صلح را اجرایی و به پیش برد.

اصل دوم: باید به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها احترام گذاشته شود. در این سند تأکید شده است که همه کشورها، اعم از بزرگ یا کوچک، قوی یا ضعیف، غنی یا فقیر، اعضای برابر جامعه بین‌المللی هستند و باید به

1- Zhang, vioye

2- Camelia Sorenson

حاکمیت آن‌ها و حق انتخاب مستقل نظام‌های اجتماعی و مسیرهای توسعه این کشورها احترام گذاشته شود.

اصل سوم: در متن این سند ابتکاری آمده است که متعهد ماندن به رعایت اهداف و اصول منشور ملل متحد ضروری است. در متن اشاره شده است که ذهنیت جنگ سرد، یک‌جانبه‌گرایی، تقابل بلوکی و هژمونیسیم، مغایر با روح منشور سازمان ملل است و باید رد شود.

اصل چهارم: منافع مشروع امنیتی همه ملت‌ها باید جدی گرفته شود. بشریت یک جامعه امنیتی تفکیک ناپذیر است. امنیت یک کشور نباید به بهای امنیت دیگران تامین شود، هر کشوری که امنیت خود را دنبال می‌کند باید منافع منطقه‌ای امنیتی سایر کشورها را نیز در نظر بگیرد.

اصل پنجم: پایبندی به حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و اختلاف‌های بین کشورها از طریق گفتگو ضروری است. تاکید می‌شود که جنگ و تحریم راه اساسی برای حل و فصل اختلاف‌ها نیست، جامعه بین‌المللی باید از تلاش‌هایی حمایت کند که به حل مسالمت‌آمیز بحران‌ها کمک می‌کند و طرف‌های درگیر را به سوی اعتمادسازی، حل و فصل اختلاف‌ها و تقویت امنیت از طریق گفتگو سوق بدهد.

اصل ششم: تأمین امنیت در دو حوزه سنتی و غیرسنتی ضروری است. چین از همه کشورها می‌خواهد تا برای حل مناقشات منطقه‌ای و مسائل جهانی مانند تروریسم، تغییرات آب و هوایی، امنیت سایبری و امنیت زیستی با یکدیگر همکاری کنند (رضایی، ۲۰۱۴).

تحولات نظامی چین: چین در طول ۲۵ سال گذشته شاهد تحولات نظامی قابل توجهی بوده است که به صورت عمده تحت تأثیر اهداف راهبردی بلندمدت آن در منطقه جنوب غرب آسیا و دیگر نقاط جهان قرار گرفته است. این تحولات شامل توسعه فناوری‌های نظامی پیشرفته، افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه دفاعی، و همکاری‌های نظامی با کشورهای دوست بوده است. چین به تدریج از یک نیروی نظامی منطقه‌ای به یک بازیگر مهم جهانی در عرصه نظامی تبدیل شده است. این کشور با بهره‌گیری از صنعت داخلی خود،

سیستم‌های موشکی، هوایی و دریایی پیشرفته‌ای توسعه داده است. در کنار این موضوع، چین با تمرکز بر توانمندسازی نیروهای مسلح، توانسته است عملیات نظامی خود را در محیط‌های مختلف گسترش دهد. این کشور همچنین در زمینه فناوری‌های فضایی و شبکه‌های ارتباطی نظامی، پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشد. افزایش هزینه‌های دفاعی چین از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ نشان از یک رویکرد راهبردی برای دستیابی به موقعیت رقابتی بالا در سطح بین‌المللی دارد. چین همچنین در پروژه‌های بزرگ دفاعی مانند ساخت کشتی‌های جنگی و هواپیماهای جنگنده نسل بعدی نقش برجسته‌ای دارد. این تحولات در کنار توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی، موقعیت چین را در منطقه جنوب غرب آسیا و خاورمیانه تقویت کرده است. چین با این رویکرد، قصد دارد به‌عنوان یک قدرت جهانی شناخته شود و در تعیین تعادل قدرت جهانی سهم بیشتری داشته باشد. همچنین، این تحولات نظامی چین در کنار برنامه‌های اقتصادی بزرگ مانند «یک کمربند، یک جاده» موقعیت راهبردی این کشور را در سطح جهانی تقویت کرده است. (صفوی، ۱۴۰۳).

شی جین پینگ^۱، رئیس جمهوری خلق چین و دبیر کل حزب کمونیست چین آرزوهای مشابهی مانند پیشینیان خود دارد که چین را به مرکز اقتصاد جهانی تبدیل کند و این به نوبه خود باعث شد چشم‌انداز ساخت یک چین مدرن و آماده برای جنگ و عواملی مانند تنش در دریای چین جنوبی نیز راه را برای نوسازی ارتش هموار کرده است که بودجه دفاعی را به همراه خواهد داشت (سریع القلم، ۱۳۸۹).

دکترین نظامی چین: دکترین نظامی چین از زمان پیدایش جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ همواره در حال تحول بوده است. براساس تعریف چینی از استراتژی نظامی، دکترین نظامی بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی دفاع ملی و چشم‌انداز بزرگ شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین برای احیای ملت بزرگ چین. این مفهوم هم به توسعه اقتصادی و هم به اتحاد ارضی تحت حزب کمونیست چین اشاره دارد که پیامدهای دفاعی، نوسازی و حرفه‌ای‌سازی

کارکنان نظامی است. بازنگری فنی کارکنان نظامی با هدف دستیابی به سه هدف راهبردی مانند ماشینی کردن، نوسازی تجهیزات نظامی تا سال ۲۰۲۰ و پیشرفت به سمت دیجیتالی کردن سیستم‌های شبکه برای قابلیت‌های هوشمند است. در حال حاضر، سکوه‌های زمینی قدیمی از پیشرفت در حوزه هوایی و دریایی عقب مانده‌اند. تقسیم‌بندی بازار دفاعی چین براساس بخش سیستم دفاع موشکی و موشکی بزرگترین بخش در بازار دفاعی چین است. بخش‌های کلیدی در بازار دفاعی چین عبارتند از سامانه‌های دفاع موشکی و موشکی، زیردریایی‌ها، هواپیماهای بال ثابت نظامی، شناورهای دریایی و رزم‌ناوهای سطحی، سامانه‌های ارتباطی تاکتیکی، سامانه‌های الکترواپتیکال و ماورای بنفش - EO/IR^۱، رادار نظامی، سامانه‌های جنگ الکترونیک، سامانه‌های جنگ زیر آب و ابزارهای ناوبری و اندازه‌گیری قدرتمند دارای کاربردهایی مانند وسایل نقلیه خودران، رباتیک، بخش MDS مبتنی بر پلتفرم در بخش سامانه‌های دفاع موشکی سهم اصلی در رشد این بخش است (دونگ شان‌شان^۲، ۲۰۱۰).

مدل «هدایت‌گرا-روابط‌محور» سیاست دفاعی چین^۳

اهداف مدل: این مدل به تبیین چگونگی شکل‌گیری، توسعه و پیاده‌سازی سیاست دفاعی چین در قالب یک رویکرد راهبردی، روابط‌محور و هدایت‌گرا می‌پردازد. این مدل تلاش می‌کند تا ساختار فکری و تصمیم‌گیری درونی چین را با عوامل برون‌سپرده تطبیق دهد و نحوه تعاملات نظامی و سیاسی چین با جهان را در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم توضیح دهد.

مؤلفه‌های اصلی مدل:

۱- بنیان ایدئولوژیک^۴

- حزب کمونیست چین: بنیان تمام تصمیم‌های دفاعی و نظامی چین.

1- Electro-Optical/Infra-Red

2- Dong shaneshan

3- The Guided-Relational Defense Policy Model of China

4- Ideological Foundation

- نظریه «شورای هماهنگ امنیتی»: تأکید بر صلح، ثبات منطقه‌ای و مداخله نکردن در امور داخلی.
- چشم‌انداز جهان هماهنگ^۱: اساس فرهنگ دیپلماسی دفاعی چین.
- ۲- ساختار فرماندهی و مدیریت دفاعی
- کمیته مرکزی نظامی: ستاد کلیه عملیات‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظامی.
- ارتش آزادی‌بخش خلق: مجری اصلی سیاست‌های دفاعی چین.
- همکاری تنگاتنگ با وزارت دفاع چین.
- ۳- اهداف راهبردی دفاعی
- حفاظت از تمامیت ارضی و منافع ملی (به‌ویژه در مورد تایوان، دریای چین جنوبی و مناطق مرزی).
- حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش نفوذ غربی.
- توسعه ظرفیت‌های دفاعی-تکنولوژیک (شبکه هوافضا، سایبر، زیردریایی‌های هسته‌ای).
- ۴- دیپلماسی نظامی
- فعالیت‌های مشترک نظامی مانند مانورهای مأموریت صلح.
- آموزش نظامی بین‌المللی (فرستادن و پذیرش افسران نظامی خارجی).
- کمک‌های دفاعی و فروش تسلیحات (به کشورهای در حال توسعه و دوستانه).
- هماهنگی با سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای
- ۵- استراتژی نرم
- کمک‌های بشردوستانه نظامی.
- مشارکت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل.
- کمک به کشورهای در حال توسعه در زمینه امنیت دریایی.
- ۶- توسعه دفاعی جامع^۱

- همگرایی نظامی-اقتصادی
- سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نظامی نوین (هوش مصنوعی، سلاح‌های لیزری، شبکه‌های سایبر).
- تحول نوین استراتژی دفاعی
- ۷- واکنش‌های دفاعی نسبت به تهدیدهای جهانی
- هماهنگی در مقابله با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جنگ سایبری.
- تعامل با سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و بحران‌های بشردوستانه.

مقصود اصلی سیاست دفاعی چین (طبق مدل): چین با بهره‌گیری از این مدل، به دنبال تثبیت نفوذ منطقه‌ای و جهانی بدون ایجاد تقابل مستقیم با غرب است. این رویکرد مبتنی بر تعادل قدرت، دیپلماسی نظامی و استفاده از نرم‌افزارهای سیاسی و دفاعی است که در بلندمدت باعث تأمین منافع ملی و منطقه‌ای در چارچوب یک جهان چندقطبی می‌شود.

نتایج قابل پیش‌بینی از مدل:

- افزایش همکاری‌های نظامی منطقه‌ای با کشورهای آسیایی، آفریقایی و لاتین آمریکایی.
 - توسعه ظرفیت‌های دفاعی بدون افزایش تنش‌های نظامی.
 - استحکام بیشتر روابط دیپلماتیک نظامی با کشورهای غیرغربی.
 - تحول در مفهوم امنیت جمعی در آسیا و اقیانوسیه.
 - افزایش توانایی چین در پاسخ‌گویی به بحران‌های بین‌المللی.
- مدل «هدف‌دار-روابط‌محور» سیاست دفاعی چین، تصویری واضح و منسجم از رویکرد راهبردی این کشور در حوزه دفاع و امنیت ارائه می‌دهد. این مدل نشان می‌دهد که چین با بهره‌گیری از دیپلماسی نظامی، استراتژی نرم و توسعه فناوری، به دنبال تثبیت موقعیت قدرتمندانه‌اش در نظام بین‌الملل بدون ایجاد جنگ‌های سنتی است.

این مدل می‌تواند به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای کشورهای دیگر جهت درک دقیق‌تر از رفتار دفاعی-سیاسی چین و واکنش مناسب به آن مورد استفاده قرار گیرد.

نقش عوامل داخلی ایران در تعامل با سیاست‌های دفاعی چین: روابط دفاعی ایران و چین تحت تأثیر عوامل داخلی ایران از جمله ساختار نظامی، شرایط اقتصادی و تحولات سیاسی شکل گرفته است. از یک سو، نیاز ایران به فناوری‌های دفاعی پیشرفته (مانند پهپادها و سیستم‌های موشکی) و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، همکاری با چین را به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است (ایسنستاد و آلفونه^۱، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، توافق ۲۵ ساله ایران و چین توافق قطعا برای تعمیق روابط چین و ایران مفید است (زرین، ۱۴۰۳). در بعد سیاسی، اشتراک دیدگاه دو کشور در مخالفت با هژمونی آمریکا و حمایت از نظم بین‌المللی چندقطبی، پایه‌های راهبردی این همکاری را تقویت کرده است (گارور^۲، ۲۰۲۱). با این حال، تفاوت‌های منفعتی ایران و چین در منطقه خاورمیانه (مانند روابط پکن با ریاض) می‌تواند چالش‌هایی در مسیر تعاملات دفاعی دو کشور ایجاد کند. به‌طور کلی، در حالی که عوامل داخلی ایران همکاری دفاعی با چین را ضروری ساخته‌اند، ماهیت این همکاری‌ها تابعی از تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

سیاست‌های چین در قبال ترکیه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران: کشور ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو تلاش کرده تا به غرب نزدیک شود و چین نیز از ۱۹۷۹ میلادی به بعد روند نزدیکی به کشورهای غربی را در پی گرفته است. اما به‌نظر می‌رسد تداوم بدبینی در مواضع طرفین غربی در مواجهه با دو کشور و اتخاذ رویکردهای محتاطانه به‌ویژه طی سال‌های اخیر باعث تغییر رویکرد ترکیه و چین در مواجهه با کشورهای غربی شده است. بدین‌منظور کشور ترکیه از حدود سال ۲۰۱۰ میلادی سعی در تعریف هویتی جدید برای خود، مستقل از غرب گرفته و به این واسطه سعی در معرفی خود

1- Eisenstadt & Alfoneh.

2- Garver.

به‌عنوان کشوری ترک‌زبان و همچنین کشور اسلامی سکولار در خاورمیانه داشته است. چین در سال‌های اخیر روابط خود با ترکیه را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی گسترش داده است. همکاری‌های چین و ترکیه عمدتاً در چارچوب طرح «کمربند و جاده» شکل گرفته و شامل پروژه‌های زیرساختی، انرژی و حمل‌ونقل است که نقشه‌های ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این رابطه به چین کمک می‌کند تا نفوذ راهبردی خود را در آسیای مرکزی و خاورمیانه افزایش دهد و از سوی دیگر، ترکیه نیز از این همکاری‌ها برای تقویت موقعیت خود در برابر غرب بهره می‌برد. این تحولات موجب نگرانی‌هایی در جمهوری اسلامی ایران شده است؛ چرا که توسعه راهبردی چین در شمال غرب و مرزهای آسیای مرکزی می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع چین و به ضرر ایران تغییر دهد. همچنین، گسترش فعالیت‌های چین در منطقه امنیت مرزهای شمال غربی ایران و دسترسی آن به دریای خزر را با چالش‌هایی روبرو کرده است. همکاری‌های نظامی و فناوری نیز از دیگر نگرانی‌های ایران در قبال روابط چین و ترکیه است که می‌تواند به‌عنوان یک تهدید بالقوه برای امنیت ملی عمل کند. بنابراین، ایران نیازمند سیاست‌های راهبردی‌تری در قبال روابط با چین و مدیریت تعادل در منطقه است تا از منافع خود در برابر این تحولات حفاظت کند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۴).

روش

در این پژوهش ابتدا داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ تن از خبرگان جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل تماتیک تفسیر شده‌اند. در این پژوهش، روش تحقیق کمی و توسعه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی به‌کار گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان حوزه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی و روابط بین‌الملل فعال در وزارت دفاع، سپاه پاسداران، دانشگاه‌های نظامی و مراکز تحقیقاتی به تعداد ۵۸ نفر است که نمونه‌گیری به صورت هدفمند و سهمیه‌ای انجام گرفته و حجم نمونه نهایی ۴۵ نفر تعیین شد. این حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای ۷٪ و

سطح اطمینان ۹۵٪ تعیین شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، یک پرسشنامه استاندارد چندگزینه‌ای و در طیف لیکرت با ۳۰ سؤال در قالب ۶ بعد (هماهنگی نظامی، موازنه قدرت، همکاری اقتصادی، وابستگی راهبردی، رقابت ژئوپلیتیک و مدیریت تهدیدهای منطقه‌ای) بوده است. روایی محتوایی و ساختاری پرسشنامه توسط اساتید مجرب حوزه امنیت ملی و روابط بین‌الملل تأیید شده و ضریب آلفای کرونباخ آن بیشتر از ۰/۸۵ محاسبه شده است که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار است. علاوه بر تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مانند آزمون t ، ANOVA و رگرسیون)، پس از جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) برای استخراج ابعاد اصلی متغیرهای تحقیق انجام شد. سپس با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با روش PLS، روابط بین متغیرهای مستقل (حضور چین در غرب آسیا) و متغیر وابسته (امنیت ملی ایران) مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌هایی مانند همکاری اقتصادی و موازنه قدرت، تأثیر معناداری بر افزایش سطح امنیت ملی داشتند.

یافته‌ها

سیاست دفاعی چین در غرب آسیا در چارچوب استراتژی ظهور صلح‌آمیز شکل گرفته است. این رویکرد به‌صورت عمده برپایه عدم مداخله مستقیم در اختلاف‌ها داخلی کشورهای منطقه، توسعه همکاری‌های نظامی و اقتصادی غیرمتقابل و حمایت از موازنه قدرت منطقه‌ای استوار است. این الگو از رفتار دفاعی، ضمن جلوگیری از خصومت با قدرت‌های بزرگ منطقه، زمینه را برای افزایش نفوذ چین در حوزه‌های مختلف فراهم کرده است.

از دیدگاه امنیت ملی ایران، حضور چین در غرب آسیا می‌تواند دو وجه متفاوت داشته باشد: الف) فرصت‌های راهبردی و ب) چالش‌های بالقوه. از جمله مهم‌ترین فرصت‌ها می‌توان به نقش چین در متعادل کردن قدرت منطقه‌ای اشاره کرد؛ چرا که این کشور با حفظ روابط موازنه‌ای با تمام بازیگران منطقه، می‌تواند به ایران در مدیریت تنش‌ها و کاهش فشارهای خارجی کمک کند.

همچنین، چین با گسترش همکاری‌های دفاعی و انتقال تدریجی فناوری‌های نظامی، می‌تواند ظرفیت‌های دفاعی ایران را تقویت کند. این همکاری‌ها نه تنها از طریق توافق‌های رسمی، بلکه از طریق شرکت‌های مشترک، برنامه‌های تولید محلی و همکاری در حوزه‌های فناوری پیشرفته، قابل توسعه است. بنابراین، حضور چین می‌تواند در بلندمدت به عنوان یک عامل استقلال‌بخش در حوزه دفاعی عمل کند.

با این حال، این حضور نیز دارای چالش‌هایی است. افزایش وابستگی ایران به چین در حوزه‌های اقتصادی و دفاعی می‌تواند به مرور زمان باعث وابستگی راهبردی شود. چین به عنوان یک قدرت جهانی، منافع خود را در اولویت قرار می‌دهد و این مسئله می‌تواند در مواقع بحرانی با منافع ایران در تضاد قرار گیرد. همچنین، گسترش حضور چین در منطقه می‌تواند باعث تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای به گونه‌ای شود که به نفع ایران نباشد.

در کنار این مسائل، اقدام‌های چین در حوزه امنیت منطقه‌ای اغلب از طریق ابعاد اقتصادی و زیرساختی دنبال می‌شود. این رویکرد اگرچه از درگیری نظامی جلوگیری می‌کند، اما می‌تواند به مرور زمینه را برای اعمال نفوذ غیرمستقیم فراهم کند. این نوع نفوذ ممکن است به شکل وابستگی اقتصادی، تعهدهای بلندمدت زیرساختی و محدودیت‌های دیپلماتیک خود را نشان دهد.

بنابراین، ارزیابی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا نیازمند درک دقیق از تعادل ظاهری و واقعی این کشور است. درحالی که چین خود را یک قدرت غیرتهاجمی و صلح‌جو معرفی می‌کند، حضور آن در منطقه می‌تواند دارای پیامدهای پیچیده‌ای برای امنیت ملی ایران باشد. این پیامدها نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت هوشمندانه از سوی تصمیم‌گیرندگان ایرانی است تا از یک سو از فرصت‌های موجود بهره‌برداری شود و از سوی دیگر، ریسک‌های بالقوه این حضور به حداقل برسد.

نتایج تحلیل‌های آماری پیشرفته

پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و تأیید روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، داده‌های کمی به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری پیشرفته

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در ابتدا، تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) با استفاده از روش مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد تا ابعاد پنهان و مؤلفه‌های اصلی متغیرهای تحقیق استخراج شوند.

نتایج EFA نشان داد که شاخص‌های $KMO=0.87$ و آزمون کرویت بارتلت ($p<0.001$) شرایط لازم برای انجام این تحلیل را فراهم می‌کنند. در مجموع، شش بعد اصلی از متغیرهای تحت بررسی شناسایی شدند که شامل:

همکاری نظامی-امنیتی، موازنه قدرت منطقه‌ای، همکاری اقتصادی، دیپلماسی ژئوپلیتیک، مدیریت تهدیدهای مشترک، وابستگی راهبردی این ابعاد در مجموع $74/3\%$ از واریانس کل داده‌ها را توجیه کردند.

در مرحله بعد، به‌منظور بررسی روابط علی بین متغیرهای مستقل (حضور دفاعی چین در غرب آسیا) و متغیر وابسته (امنیت ملی ایران)، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از روش PLS^1 در نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۳-۳-۵ استفاده شد.

تحلیل PLS نشان داد که تمام ضرایب بار عاملی^۲ بالاتر از $0/7$ بوده و بنابراین اعتبار همگرا مدل قابل قبول است. همچنین، AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) برای تمام سازه‌ها بالاتر از $0/5$ و CR (قابلیت ترکیب‌پذیری) بالاتر از $0/8$ محاسبه شد که اعتبار همگنی و تمایز مدل را تأیید می‌کند.

در بخش ساختاری مدل، نتایج نشان داد که:

همکاری اقتصادی دارای بیشترین تأثیر مستقیم و مثبت بر امنیت ملی ایران است ($\beta = 0.39$, $p < 0.01$).

موازنه قدرت منطقه‌ای نیز دارای تأثیر معناداری است ($\beta = 0.32$, $p < 0.01$).

همکاری نظامی-امنیتی نیز نقش مهمی در افزایش امنیت ملی ایران ایفا می‌کند ($\beta = 0.26$, $p < 0.05$).

شاخص‌های برازش مدل شامل GOF^3 نیز مقدار $0/68$ را نشان داد که نشان‌دهنده برازش خوب مدل است.

1-Partial Least Squares

2- Factor Loadings

3- Global Fit Index

در نهایت، با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه، توان توضیحی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته برآورد شد. نتایج نشان داد که متغیرهای مدل قادرند ۶۴٪ از تغییرات امنیت ملی ایران را توجیه کنند ($R^2=0.64$). این یافته‌ها حاکی از آن است که حضور چین در غرب آسیا، به‌ویژه از طریق همکاری‌های اقتصادی و نظامی و موازنه قدرت، می‌تواند به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عمل کند.

تأثیر پیامدهای مثبت سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

از هم‌پوشانی ادبیات تحقیق با پرسشنامه، گویه‌های مرتبط با تأثیر پیامدهای سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای احصاء که برابر نظر جامعه نمونه و تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق با آزمون تی- استیودنت به شرح زیر تعیین شده است.

جدول ۱: تأثیر پیامدهای مثبت سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره گویه	گویه	میانگین (از ۵)	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	همکاری‌های امنیتی و مبارزه با تهدیدهای مشترک مانند: تروریسم و...	۴	۹/۴۵۱	۴۴	۰
۲	ارتقاء توان بازدارندگی دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران	۴	۸/۲۸۱	۴۴	۰
۳	تولید امنیت و ایجاد مصونیت برای جمهوری اسلامی ایران	۴/۱	۸/۴۶۵	۴۴	۰
۴	بهره‌مندی از فرصت همکاری‌های اقتصادی و دفاعی با چین برای ایران	۴/۲	۷/۲۹۹	۴۴	۰
۵	منتفع شدن ایران از پیمان شانگهای	۴/۳	۹/۶۱۱	۴۴	۰
۶	افزایش همکاری‌های اطلاعاتی، امنیتی و دفاعی در راستای منافع مشترک	۴	۸/۷۶۰	۴۴	۰
۷	تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع ایران با حضور فعال چین	۵	۱۱/۹۷۱	۴۴	۰

شماره گویه	گویه	میانگین (از ۵)	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۸	فروش تسلیحات به ایران	۲/۴	۲/۹۳۴	۴۴	۰
۹	بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا	۴	۸/۰۲۰	۴۴	۰
۱۰	استفاده از منافع اقتصادی موازی و مشترک و همگرا در ارتباطات دو جانبه	۴/۳	۹/۲۹۸	۴۴	۰
۱۱	بهره‌گیری از اشتراک نظر در مسائل جهانی در مجامع بین‌المللی	۴	۷/۴۷۵	۴۴	۰
۱۲	به رسمیت شناختن منافع مشروع ایران در منطقه، بر خلاف آمریکا	۴/۱	۸/۷۹۹	۴۴	۰
۱۳	موازنه‌سازی ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی و ژئو اکونومیک	۴	۷/۴۰۴	۴۴	۰
۱۴	حضور پررنگ منطقه‌ای چین و حمایت فعال‌تر از ایران در تحولات منطقه	۴	۷/۳۲۴	۴۴	۰
۱۵	ارتقای جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	۴/۲	۸/۴۵۰	۴۴	۰
۱۶	انتقال فناوری و تولید مشترک	۳/۴	۷/۰۷۹	۴۴	۰
۱۷	بهره‌برداری از طرح یک کمر بند یک راه چین	۴	۹/۵۱۷	۴۴	۰
۱۸	برخورداري از حمایت سیاسی و دیپلماتیک چین در شورای امنیت	۴/۱	۹/۳۰۹	۴۴	۰
۱۹	ائتلاف‌سازی با ایران	۴/۲	۸/۷۷۷	۴۴	۰
۲۰	تداوم برگزاری رزمایش‌های مشترک با ایران	۴	۷/۶۳۱	۴۴	۰
۲۱	پیوندهای نظامی چین با کشورهای منطقه برای ایران امنیت‌زا نیست	۴	۷/۸۵۲	۴۴	۰
۲۲	سیاست نگاه به شرق برای ایران امنیت‌زا خواهد بود	۴	۸/۷۶۰	۴۴	۰
۲۳	افزایش پایگاه‌های چین در منطقه باعث افزایش منفعت ایران	۳/۱	۷/۵۹۲	۴۴	۰
۲۴	گسترش دیپلماسی اقتصادی با چین	۵	۱۱/۲۸۱	۴۴	۰
۲۵	افزایش ارتباطات فنی و صنعتی با چین	۴/۹	۱۰/۷۱۳	۴۴	۰
۲۶	محدودسازی غرب	۴/۲	۹/۹۴۰	۴۴	۰
۲۷	استفاده از حضور تأثیرگذار چین در سازمان‌ها و	۵	۱۱/۲۵۵	۴۴	۰

شماره گویه	گویه	میانگین (از ۵)	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
	نهادهای اقتصادی				
۲۸	رشد درحوزه‌های فضایی، کشاورزی و هوش مصنوعی	۴	۷/۷۵۹	۴۴	۰
۲۹	پیروی از سیاست‌های روسیه در شورای امنیت در موضوع ایران	۳	۳/۰۶۶	۴۴	۰
۳۰	افزایش بهره‌وری از منابع نفت و گاز برای ایران	۴/۱	۸/۷۵۹	۴۴	۰

تفسیر

جدول بالا بیان‌گر آن است که برابر نظر جامعه نمونه، باتوجه به اینکه مقادیر آزمون تی استیودنت بیشتر از ۱/۹۶ و مقادیر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است، بنابراین تمامی گویه‌های بالا با ضریب اطمینان ۹۵٪ به‌عنوان گویه‌های مرتبط با تأثیر پیامدهای مثبت سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرین و معنادار می‌باشند.

تأثیر پیامدهای منفی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران:

جدول ۲: تأثیر پیامدهای منفی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره گویه	گویه	میانگین (از ۵)	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	تبعیت چین از سازوکارها و قواعد بین‌المللی جهت تأمین منافع ملی	۴	۸/۳۶۶	۴۴	۰
۲	تعامل چین با رقبای منطقه‌ای ایران	۴	۹/۴۵۹	۴۴	۰
۳	سیاست خارجی توازن بخش چین در برابر سیاست خارجی غیر متوازن ایران	۴/۱	۷/۸۵۲	۴۴	۰
۴	متعادل و موازنه نبودن قدرت میان چین و هند	۴/۳	۸/۳۲۴	۴۴	۰
۵	افزایش همکاری‌ها با اعراب در منطقه	۵	۱۱/۵۶۵	۴۴	۰
۶	لایه‌ها و دستور کار پنهان چین	۴	۸/۹۱۳	۴۴	۰
۷	ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک محور بودن سیاست خارجی ایران	۴/۲	۹/۸۸۴	۴۴	۰

شماره گویه	گویه	میانگین (از ۵)	مقدار آزمون تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۸	تحریم‌های آمریکا و آثار آن بر روابط ایران و چین	۵	۱۰/۲۷۸	۴۴	۰
۹	خطر نفوذ و وابستگی اقتصادی به چین در صورت عدم توانایی در انتقال	۴	۷/۳۱۷	۴۴	۰
۱۰	مداخله چین در باز کردن تنگه هرمز در صورت بسته شدن توسط ایران	۴/۱	۸/۸۶۰	۴۴	۰
۱۱	ارائه خدمات یک طرفه ایران به چین و پرداخت هزینه‌های امنیتی چین	۴/۱	۸/۸۰۶	۴۴	۰
۱۲	ایجاد پایگاه مخفی تجاری و نظامی در پاکستان	۳/۱	۳/۵۴۸	۴۴	۰
۱۳	بازی دوگانه چین با ایران در مقابل کشورهای عربی	۴	۷/۳۹۳	۴۴	۰
۱۴	تهدیدهای زیست محیطی ناشی از انتقال صنایع و خطوط تولید آلاینده	۳	۴/۷۵۸	۴۴	۰
۱۵	دخالت چین در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی می‌تواند تضعیف کننده باشد	۳	۴/۲۳۴	۴۴	۰
۱۶	ترجیح کشورهای عربی به ایران	۵	۱۰/۳۷۶	۴۴	۰
۱۷	حمایت ایران از اقلیت مسلمان و جنبش‌های اسلامی در چین	۴/۹	۹/۳۸۲	۴۴	۰
۱۸	درپیش گرفتن سیاست‌ها و راهبردهای متضاد و متفاوت در منطقه غرب آسیا	۴/۲	۸/۹۶۱	۴۴	۰

تفسیر

جدول ۲ بیانگر آن است که برابر نظر جامعه نمونه، باتوجه به این که مقادیر آزمون تی استیودنت بیشتر از ۱/۹۶ و مقادیر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است، بنابراین تمامی گویه‌های بالا با ضریب اطمینان ۹۵٪ به عنوان گویه‌های مرتبط با تأثیر پیامدهای منفی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی ج.ا.ایران، نقش آفرین و معنادار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست دفاعی چین در غرب آسیا مبتنی بر رویکرد تجدید نظرطلبانه نرم و یا ظهور صلح‌آمیز و عدم تنش با قدرت‌های بزرگ و کشورهای همسایه از چند جهت بر امنیت ملی ایران تأثیر گذاشته است. چین به تلاش‌های ایران برای نوسازی سخت‌افزار و دکترین نظامی خود از طریق انتقال فناوری و فروش تسلیحات کمک کرده است. چین همچنین به توسعه برنامه هسته‌ای ایران کمک کرده است که نگرانی بزرگی برای جامعه بین‌المللی بوده است. روابط اقتصادی متقابل دو کشور تا اندازه‌ای، ایران را در برابر آثار تحریم‌های بین‌المللی مصون نگه داشته است.

چهار متغیر اصلی در طول زمان، غرب آسیا را برای چین واجد ارزش راهبردی و ذاتی کرده است نخست، منطقه غرب آسیا از دیرباز بستر رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است. عملکرد سایر قدرت‌های بزرگ و به‌طور ویژه آمریکا و روسیه در منطقه برای چین بسیار مهم است، زیرا می‌تواند موازنه قوا را در فضای جهانی تغییر داده یا هنجارهای نظم بین‌المللی را دستخوش تحول کند. دوم، امنیت انرژی چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان به خرید نفت از کشورهای تولیدکننده نفت در منطقه وابسته است. غرب آسیا با تأمین ۴۶/۷ درصد از نیاز چین به انرژی در سال ۲۰۲۰، روسیه را پشت‌سر گذاشته و به رتبه اول تأمین‌کننده انرژی چین رسیده است. سوم، چین با منطقه غرب آسیا پیوندهای قومی مذهبی دارد. این پیوندها می‌تواند به‌طور مستقیم بر امنیت ملی چین تأثیر بگذارد. چهارم، غرب آسیا از جایگاهی، محوری در طرح یک کمربند یک راه برخوردار است و از این‌رو چین به‌طور جدی به دنبال گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای منطقه است.

سیاست دفاعی چین بر تعهد به توسعه صلح‌آمیز و همکاری با جامعه جهانی و در عین حال تأکید بر منافع ملی خود استوار است. سیاست دفاعی چین در حوزه شرایط امنیت ملی، چشم‌انداز بین‌المللی را توصیف کرده و چالش‌هایی مانند هژمونیکسم، سیاست قدرت، و نیاز به ارتش قوی برای حفاظت از حاکمیت و منافع ملی را برجسته می‌کند. راهبرد نظامی چین تأکید بر مأموریت‌ها و

وظایف راهبردی نیروهای مسلح چین، جزئیات نقش ارتش آزادی‌بخش خلق از جمله دفاع از تمامیت ارضی، حفاظت از حقوق دریایی، و تضمین امنیت ملی را تبیین می‌کند. در حوزه راهبردی پدافند فعال، اصل دفاع فعال را تشریح می‌کند، که بر آمادگی برای مبارزه نظامی با حفظ وضعیت دفاعی تأکید می‌کند. ساخت و توسعه نیروهای مسلح چین که در مورد تلاش برای نوسازی و نیز نیاز به یک ارتش پیشرفته از نظر فناوری را مورد تأکید قرار می‌دهد که قادر به پاسخگویی به تهدیدهای معاصر باشد. این راهبرد، اهمیت انطباق با چالش‌های امنیتی جدید، از جمله تهدیدهای سایبری و نیاز به امنیت دریایی را تصدیق می‌کند.

برخی از روندهای اصلی تکامل سیاست دفاعی چین به وضوح و به‌طور خاص، در طول ۷۰ سال گذشته، قابل مشاهده است که عبارتند از:

مرحله اول حرکت از سیاست دفاعی ایدئولوژی محور به سمت عملگرایی محوری

مرحله دوم از انزواگرایی به مشارکت فعال

مرحله سوم از خصومت و تقابل به آشتی و همکاری

مرحله چهارم، به صورت اساسی از یک حالت تک بعدی (در درجه اول نگران امنیت ملی) تا چند بعدی (نگران طیف وسیعی از مسائل سیاست خارجی، از جمله امنیت ملی و بین‌المللی، اقتصاد جهانی، توسعه، محیط زیست و بسیاری دیگر)

مرحله پنجم: از یک حالت یک جانبه گرایانه به وضعیت چند جانبه گرائی، تغییر یافته است.

براساس تجزیه و تحلیل انجام شده سیاست دفاعی چین در غرب آسیا دارای پیامدهای مثبت و منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است:

پیامدهای مثبت سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع ایران با حضور فعال چین؛
- گسترش دیپلماسی اقتصادی با چین؛

- استفاده از حضور تأثیرگذار چین در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی؛
- افزایش ارتباطات فنی و صنعتی با چین؛
- منتفع شدن ایران از پیمان شانگهای؛
- استفاده از منافع اقتصادی موازی و مشترک و همگرا در ارتباطات دو جانبه؛
- بهره‌مندی از فرصت همکاری‌های اقتصادی و دفاعی با چین برای ایران؛
- ارتقای جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛
- ائتلاف‌سازی با ایران؛
- محدودسازی غرب؛
- تولید امنیت و ایجاد مصونیت برای جمهوری اسلامی ایران؛
- به رسمیت شناختن منافع مشروع ایران در منطقه، بر خلاف آمریکا؛
- برخورداری از حمایت سیاسی و دیپلماتیک چین در شورای امنیت؛
- افزایش بهره‌وری از منابع نفت و گاز برای ایران؛
- همکاری‌های امنیتی و مبارزه با تهدیدهای مشترک مانند: تروریسم و مانند آن؛
- ارتقای توان بازدارندگی دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛
- افزایش همکاری‌های اطلاعاتی، امنیتی و دفاعی در راستای منافع مشترک؛
- بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا؛
- بهره‌گیری از اشتراک نظر در مسائل جهانی در مجامع بین‌المللی؛
- موازنه‌سازی ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی و ژئواکونومیک؛
- حضور پررنگ منطقه‌ای چین و حمایت فعال‌تر از ایران در تحولات منطقه؛
- بهره‌برداری از طرح یک کمر بند یک راه چین؛
- تداوم برگزاری رزمایش‌های مشترک با ایران؛
- پیوندهای نظامی چین با کشورهای منطقه برای ایران امنیت‌زا نیست؛
- سیاست نگاه به شرق برای ایران امنیت‌زا خواهد بود؛

- رشد در حوزه‌های فضایی، کشاورزی و هوش مصنوعی؛
- انتقال فناوری و تولید مشترک؛
- افزایش پایگاه‌های چین در منطقه باعث افزایش منفعت ایران؛
- پیروی از سیاست‌های روسیه در شورای امنیت در موضوع ایران؛
- فروش تسلیحات به ایران.

پیامدهای منفی سیاست دفاعی چین در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- افزایش همکاری‌ها با اعراب در منطقه؛
- تحریم‌های آمریکا و آثار آن بر روابط ایران و چین؛
- ترجیح کشورهای عربی به ایران؛
- حمایت ایران از اقلیت مسلمان و جنبش‌های اسلامی در چین؛
- متعادل و موازنه نبودن قدرت میان چین و هند؛
- ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک محور بودن سیاست خارجی ایران؛
- در پیش گرفتن سیاست‌ها و راهبردهای متضاد و متفاوت در منطقه غرب آسیا؛
- سیاست خارجی توازن بخش چین در برابر سیاست خارجی غیرمتوازن ایران؛
- مداخله چین در باز کردن تنگه هرمز در صورت بسته شدن توسط ایران؛
- ارائه خدمات یک طرفه ایران به چین و پرداخت هزینه‌های امنیتی چین؛
- تبعیت چین از سازو کارها و قواعد بین‌المللی جهت تأمین منافع ملی؛
- تعامل چین با رقبای منطقه‌ای ایران؛
- لایه‌ها و دستور کار پنهان چین؛
- خطر نفوذ و وابستگی اقتصادی به چین در صورت عدم توانایی در انتقال؛
- بازی دوگانه چین با ایران در مقابل کشورهای عربی؛
- ایجاد پایگاه مخفی تجاری و نظامی در پاکستان؛
- تهدیدهای زیست محیطی ناشی از انتقال صنایع و خطوط تولید آلاینده؛

- دخالت چین در مورد جزایر سه گانه ایرانی می تواند تضعیف کننده باشد.

مقایسه سیاست چین، روسیه و آمریکا در غرب آسیا

چین و روسیه در غرب آسیا دو رویکرد کاملاً متفاوت دارندچین با سیاست عدم مداخله، بیشتر از طریق منافع اقتصادی، سرمایه گذاری و دیپلماسی عمل می کند و تنها حضور نظامی محدودی در منطقه دارد، به ویژه در قالب عملیات ضد دزدی دریایی و یک پایگاه در جیبوتی. هدف اصلی چین، حفاظت از خطوط تجاری، تأمین انرژی و پروژه های زیرساختی در چارچوب کمربند و جاده است و سعی می کند با تمام کشورهای منطقه روابط خوبی حفظ کند بدون این که در تقابل های محلی دخالت کند. در مقابل، روسیه از طریق مداخلات نظامی مستقیم، پایگاه های نظامی متعدد، صادرات تسلیحات سعی دارد تا نقش فعالی در تعادل قدرت منطقه ایفا کند. روسیه در قفقاز نیز حضور نظامی قابل توجهی دارد و از نیروهای خصوصی مانند گروه وگنر نیز برای گسترش نفوذ استفاده می کند. درحالی که چین در حوزه نظامی همکاری های محدودی با کشورهای منطقه دارد. این تفاوت ها نشان می دهد که چین بیشتر به دنبال ثبات و منافع اقتصادی است، درحالی که روسیه از قدرت نظامی به عنوان ابزاری برای بازگشت به صحنه جهانی استفاده می کند.

آمریکا نیز دارای حضور نظامی گسترده و طولانی مدت در غرب آسیا است. این حضور شامل صدها هزار نیرو، پایگاه های نظامی متعدد (در عراق، سوریه، بحرین، قطر و مانند آن)، مشارکت در جنگ ها (مانند عراق و افغانستان) و همکاری نظامی عمیق با متحدان منطقه ای (مثل عربستان، اسرائیل) است. آمریکا از قدرت نظامی خود برای حفظ نفوذ به بهانه مبارزه با تروریسم، موازنه با رقبای (ایران، روسیه و به تازگی چین) و حمایت از منافع راهبردی خود در منطقه استفاده می کند.

درحالی که چین سعی می کند با تمام کشورهای منطقه روابط خوبی داشته باشد و به ندرت در تقابل های نظامی دخالت کند، آمریکا به طور فعال به دنبال تنظیم قدرت منطقه در جهت منافع خود است و اغلب از قدرت نظامی و متحدان محلی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کند. این تفاوت ها نشان

می‌دهد که چین بیشتر نقش یک بازرگان جهانی را در غرب آسیا ایفا می‌کند، درحالی‌که آمریکا در خیال خود نقش یک قدرت ناظر و مراقب منطقه‌ای را ایفا می‌کند.

پیشنهادهای

براساس یافته‌های این پژوهش، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در روابط دو جانبه با جمهوری خلق چین، نقش راهبردی تری در عرصه دفاعی و نظامی ایفا کند. در این راستا، پیشنهادهای زیر برای توسعه روابط دفاعی ایران و چین ارائه می‌شود:

الف. گسترش فعالانه روابط دفاعی و اقتصادی با چین

- نهاد مجری: وزارت امور خارجه، بانک مرکزی، سازمان توسعه تجارت ایران
- راهکارهای اجرایی:

ایران باید روابط خود با چین را در حوزه‌های مختلف دفاعی، فناوری و اقتصادی گسترش دهد. این همکاری‌ها می‌توانند شامل تبادل فناوری‌های نظامی، سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه صنایع دفاعی و همکاری در توسعه زیرساخت‌های راهبردی باشد. این رویکرد می‌تواند به ایران کمک کند تا از ظرفیت قدرت‌های شرقی (به‌ویژه چین) در مقابل فشارهای غربی بهره‌برداری کند و استقلال راهبردی خود را تقویت کند.

ب. تشکیل ائتلاف دفاعی راهبردی با چین

- نهاد مجری: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- راهکارهای اجرایی:

وزارت دفاع ایران باید اقدام به تشکیل یک ائتلاف دفاعی راهبردی با چین کند. این ائتلاف می‌تواند شامل خرید و همکاری در تولید سامانه‌های دفاعی پیشرفته مانند هواپیماهای جنگنده، بمب‌افکن‌ها و سامانه‌های پدافند هوایی بُرد بلند باشد. همچنین، ایجاد مراکز مشترک مطالعات دفاعی و تحقیقاتی در زمینه فناوری‌های نظامی پیشرفته می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های بلندمدت فراهم کند.

ب. انعقاد توافقات دفاعی عملیاتی با چین

- نهاد مجری: ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

- راهکارهای اجرایی:

ستاد کل نیروهای مسلح ایران باید در سطح عملیاتی با همتای چینی خود توافقاتی را منعقد کند. این توافقات می‌توانند شامل برگزاری رزمایش‌های مشترک دریایی، هوایی و زمینی باشند. همچنین، تبادل دانشجویی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در دانشگاه‌های نظامی و همکاری در زمینه آموزش‌های نظامی-فنی، از دیگر اقدامات قابل انجام در این سطح است.

سیاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی است و تاکنون از هیچ‌گونه حمایت مالی برخوردار نشده است. از آن دست از خبرگان و متخصصان محترم در حوزه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی و روابط بین‌الملل که به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش، از جمله کارکنان وزارت دفاع، سپاه پاسداران، دانشگاه‌های نظامی و مراکز تحقیقاتی، با مشارکت ارزشمند خود در گردآوری داده‌ها همکاری کرده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

منابع

- احمدی مقدم، اسماعیل؛ احمدوند، علی محمد؛ مبینی دهکردی، عبدالله؛ تسلیمی کار، بهروز. (۱۴۰۲). راهبردهای ارتقای قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش عامل ژئوپلیتیک اجتماعی - فرهنگی یمن، ۸ (۲۸)، ۹۴-۷۵.
http://ssj.jrl.police.ir/issue_14337_14459.html
- امینی، سید جواد، غلامی، عباس. (۱۳۸۹). تحلیل سیاستی بر دیپلماسی دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران با جمهوری خلق چین، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، ۱۸، (۸۱)، ۲۴۲-۲۱۹.
https://sds.sndu.ac.ir/article_1084.html
- افرایی، عیسی، اصغر، کیوان حسینی، اصغر. (۱۳۹۸). چین و حد اکثر سازی موقعیت، با تاکید بر مولفه‌های امنیتی - نظامی، مجله سیاست دفاعی، ۲۸، (۱۰۸)، ۱۴۳-۱۱۷.
https://dpj.ihu.ac.ir/article_205175.html
- رادان، احمد رضا. (۱۴۰۰). الگوی شناخت و تحلیل محیط امنیتی. فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۶ (۲۲)، ۳۸-۵.
http://ssj.jrl.police.ir/article_98241.html
- سریع القلم، محمود. (۱۳۹۰). مفهوم قدرت و سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران، فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۹)، ۷۴-۵۰.
https://frqjournal.csr.ir/article_123545.html
- صفوی، حمزه و همکاران. (۱۴۰۲). چشم انداز حضور راهبردی چین در غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳ (۸۱)، ۲۸۲-۲۳۹.
https://qpss.atu.ac.ir/article_16767.html
- زرین نجف آباد، سعیده. (۱۴۰۳). چشم‌انداز روابط ایران و چین از منظر توافق ۲۵ ساله، فصلنامه علمی روابط خارجی، ۱۶ (۶۱)، ۵۰-۲۷.
https://frqjournal.csr.ir/article_208112.html
- کلانتری، فتح اله. (۱۴۰۳). گونه‌شناسی تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی فراروی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۹ (۳۳)، ۱۳۲-۱۰۱.
http://ssj.jrl.police.ir/issue_14698_14894.html
- مرادیان، محسن. (۱۴۰۲). مبانی نظری امنیت داخلی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.
- موسوی، سیده سارا؛ غفاری، مسعود؛ شریعتی، شهرزاد. (۱۴۰۴). پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترش همکاری‌های چین و ترکیه بر جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: اتصال دو پروژه «کریدور میانی» و «کمر بند و راه»). فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۷ (۲)، ۱۴۸-۱۱۹.
https://journal.iag.ir/article_108562.html

- نورعلی، حسن. (۱۴۰۱). بازنمایی چالش‌های ژئوپلیتیکی پیش‌روی طرح ابتکاری یک کمربند یک جاده چین دانشگاه تهران. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۸ (۲)، ۳۴-۱.
https://journal.iag.ir/article_137370.html
- Adler, J. (2014). Confucianism in China Today, Pearson Living Religions Forum, New York. <https://www2.kenyon.edu/Depts/Religion/Fac/Adler/Writings/Confucianism%20Today.pdf>
- Bendett, S., & Kofman, M. (2022). Russia's defense policy and military strategy in the era of AI and autonomous systems. *Journal of Strategic Studies*, 45(6), 1-25. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13523260.2022.2075665>
- Cai, Kevin G, (2022). China's Foreign Policy since 1949-continuity and change", Renison University College of the University of Waterloo, Canada. Diplomacy, Retrieved from: <http://matlaelfajr.ir/?p=75476>.
- Dong, Shanshan (2010). Thinking about the transformation of China's diplomatic thinking and its international responsibility, Nanjing University. <https://cjas.kapadokya.edu.tr/index.php/cjas/article/download/2/2/6>
- Doran, Charles, (1991). System in Crisis, Cambridge: Cambridge University Press. <https://cjas.kapadokya.edu.tr/index.php/cjas/article/download/2/2/6>
- Dunn Cavely, M., & Wenger, A. (2020). Cyber security meets security politics: Complex technology, fragmented politics, and networked science. *Contemporary Security Policy*, 41(1), 5-32. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13523260.2019.1678855>
- Eisenstadt, M., & Alfoneh, A. (2021). Iran's military capabilities and defense strategy in the 21st century. The Washington Institute. https://www.dia.mil/portals/110/images/news/military_powers_publications/iran_military_power_lr.pdf
- Emadi, M. (2014). Beijing Responds the Theory of China Threat with Public https://irlip.um.ac.ir/index.php/geo/article_28326.html?lang=en
- Garver, J. W. (2021). China and Iran: Emerging strategic partnership in the face of U.S. pressure. *Asian Survey*, 61(3), 441-465.
https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/Garver_ChinaIran.pdf
- Lai, H., & Kang, J. (2021). China's peaceful rise in a global context: A case of discourse-power interaction. *Journal of Contemporary China*, 30(128), 1-15. https://www.researchgate.net/publication/389123603_1_China's_Peaceful_Rise_in_a_Global_Context
- Rezaei, N. (2014). Analysis of Public Diplomacy's Place in Iran Tourism", *Journal of Geopolitics*. https://journal.iag.ir/article_55923_en.html
- Scobell, (2023). What China wants in Middle East, Institute of Peace. <https://www.usip.org/publications/2023/11/what-china-wants-middle-east>
- Sorensen, Camilla T. N, (2015). The Significance of Xi Jinping's Chinese Dream. For Chinese Foreign Policy: From "Tao Guang Yang Hui" to "Fen Fa You Wei" ", political Science, *Journal of China and International Relations*. <https://journals.aau.dk/index.php/jcir/article/view/1146/967>
- Tagarev, Todor, (2022). The Art of shaping Defense policy: Scope, Components, Relationships-but no Algorithms ", Institute of Information & hin. https://www.researchgate.net/publication/267374585_The_Art_of_Shaping_Defense_Policy_Scope_Components_Relationships_but_no_Algorithms

- Taneja, Kabir, (2023). The Dragon stands: Unpacking China's presence in Contemporary west Asia, ORF Special Report No. 215, Observer Research Foundation. <https://www.orfonline.org/research/the-dragon-in-the-sands>
- Tian, Erhui & Wang, Zheng (2022). "China's View of International Order in the 21st Century", Foreign Theoretical Trends. <https://journal.kci.go.kr/japs/archive/articleView?artiId=ART003064634>
- Zhang, Weiwei (2017). The Concept of "Civilized State", Shanghai: Shanghai People's publishing House. https://www.researchgate.net/publication/275123515_Governing_the_World_China's_Evolving_Conceptions_of_Responsibility

